

# دیوید



## دیوید و فانی!

ازین تاختن گوز و ریدن به راه  
نه دانگ و نه غزو و نه نام و نه گاه

در فرهنگ دهخدا در باب فعل «ریدن» چنین آمده است: ریدن، برادر شاشیدن، تخلیه شکم کردن، بیرون ریختن فضولات شکم از راه مقعد، تغوط کردن و... و اما نه در فرهنگ دهخدا و نه در فرهنگ‌های دیگر این «فعل مقدس» در ترادف با فعل «خبررسانی» قرار نگرفته. ولی خبرگزاری‌های غرب و طرفداران میرحسین جلاد،

به ویژه در سایت «جرس» برای پخش «اخبار موثق» و «مقالات» سرشار از بلاغت خود چنین ترادفی را نه تنها «جایز» که «واجب شرعی» نیز به شمار آورده‌اند.

خبرگزاری‌های غرب فقط مانده از توالی عمومی برای کسب «اخبار موثق» ایران و تجمع «میلیون‌ها ایرانی» در شهر قم و دیگر شهرهای کشور استفاده کنند. سی سال پیش بوق‌های کفتاران جنگ‌فروش برای سازمان دادن به براندازی به همین ترفند متوسل شدند: شایعه پراکنی بجای خبررسانی! امروز شبکه «بی. اف. ام. تی. وی» به نقل از «طرفداران احمد منتظری» خبر هم پخش می‌کرد! البته با در نظر گرفتن منافع آدمخواران مدافع «حقوق بشر دینی» در ایران، حفظ آخوند در «جایگاه ویژه» هیچ تعجب ندارد. در این راستا نگاهی خواهیم داشت به مصاحبه «بی‌بی‌سی» با دیوید میلی‌بند، وزیر امور خارجه بریتانیا. بله، مستر عنایت فانی، در این مصاحبه پرسش‌های متین و «معقول» مطرح می‌کنند، و پاسخ‌های «بجا» هم به ایشان داده می‌شود. طی این مصاحبه، میلی‌بند که گویا فراموش کرده ما می‌دانیم ایشان از کجا آمده‌اند، یک نماینده حقوق بشر برایمان تعیین کرده به نام شیرین عبادی! سپس ضمن هارت‌وپورت و تهدید و طرفداری از حقوق بشر، میلی‌بند کاسه گدائی هم به دست گرفته خواهان ارسال دانشجو از ایران به انگلستان شده‌اند و ... و از همه مهم‌تر ایشان آشکارا تمایل خود را برای ایجاد تقابل بین ایران و روسیه جهت حفظ منافع انگلستان در افغانستان اعلام داشته‌اند! تنها کاری که این گدای پررو انجام نداده همان «تخلی» در عالم واقع است. امر مقدسی که به صورت مجازی در کمال موفقیت انجام گرفته!

بعد از این بر وطن و بوم و برش باید رید

به موازات پخش «خبر موثق» از توالی عمومی، و به دلیل کساد بازار طاعون سبز، دارودسته ملامد

خاتمی یک جبهه موازی گشوده و با توسل به شعارهای فریبنده «لائسیته» و «دمکراسی» در واقع مهملات همان پاسدار ساواکی را بازتولید می‌کنند. بله وقتی مرجع «توالی عمومی» باشد کار به همینجا هم خواهد رسید، و باز هم بگوئیم جای تعجب نیست. حضور «فاشیست - مسلمان‌هائی» که خود را مدافع دمکراسی و لائسیته جا زده‌اند عرض کنیم، با یورگن هابرماس، مدعی «دین عقلانی» و شیپورچی حلقه فرانکفورت که برای حفظ منافع اربابان‌اش در بارگاه مقدس پنتاگون، اعتقادات و باورهای فردی را از حریم خصوصی به عرصه عمومی وارد کرده، هیچکس به دمکراسی و لائسیته نمی‌رسد. با تبلیغات حلقه فرانکفورت که برای نفی «انسان‌محوری»، در کمال بیشرمی «تاریخ» را به عنوان «نگرانی»، و توهم و خرافات دین را «عقلانی» تعریف می‌کند به تنها جائی که خواهید رسید همان توالی عمومی یا خلای محبوب‌تان است. یعنی منبع الهام اعضای حلقه فرانکفورت و دغدغه اصلی بنیانگذار حکومت اسلامی. ایشان در مسائل ۳۱، ۵۹، ۶۰، ۶۴ از رساله گرانبه‌های خود در باب آداب تخلی یا همان «ریدن شرعی» و «دینی» چنین می‌فرمایند:

«موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله نباشد. [...] در چهار جا تخلی حرام است، در کوچه‌های بن‌بست [...] در ملک کسی که اجازه تخلی نداده [...] در اماکن موقوفه روی قبر مؤمنین در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد [...] واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسائی



که مکلف‌اند [...] بپوشاند. ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند [...]»

حجاب نام و ننگ از پیش بردار  
که محرم ک...ن پوشاند ز محرم

حال که با «خط» تفکر بنیانگزار حکومت مقدس بهتر آشنا شدیم، بهتر است نگاهی داشته باشیم به سایت پیروان «خطامام» که در راستای همین «خط» نورانی حاجیه عبادی بدون پوشاندن عورت «سر قدم رفته» و آخوند منتظری را «پدر حقوق بشر» خوانده. البته آن حقوق بشری که «عبادی» مدافع آن شناخته می‌شود، منتظری هم باید پدرش باشد. چرا که این قماش حقوق بشر ثمره شیرین ازدواج فرخنده سازمان سیا با محفل نوبل است و طعم شیرین ثمره چنین ازدواجی از شیرینی چارچوب آن یعنی «جنگ، تجارت برده و قاچاق اسلحه و موادمخدر» ناشی می‌شود. به عبارت دیگر این نوع ویژه از «حقوق بشر» در واقع حقوق امثال عبادی و موسوی و دیگر جیره‌خواران شبکه قوادان و قاچاقچیان محترم به شمار می‌آید که پیشتر هم «نوبل حسین» در اسلو به «شرافت‌شان» گواهی داده بود. قوادان و قاچاقچیان که با حمایت ارتش جنایتکار ناتو منطقه را به باغ وحش تبدیل کرده، و از ارکان سیاست استعمار در جهان سوم‌اند. از اینرو سیاست کذا را «قاف، قاف» خوانند، این سیاستی است که با «شعار» حقوق بشر اعمال می‌شود. ولی حقوق مذکور با اعلامیه جهانی حقوق بشر که ما از آن دفاع می‌کنیم هیچ ارتباطی ندارد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر را حقوقدانان غرب با تکیه بر قوانین «انسان‌محور» تنظیم کرده‌اند و «فرزند»

احدی نیست. روشن‌تر بگوئیم کسی نمی‌تواند بر این اعلامیه ادعای پدری و مهتری داشته باشد. در عوض حقوق بشر دینی، همچنانکه گفتیم، هم پدر دارد، هم مادر و از اینرو «دیوید میلی‌بند» نیز در مصاحبه خود با «عنایت فانی» از آن دفاع به عمل آورده. میلی‌بند را که همه می‌شناسیم! پیشتر در مورد محفل‌اش توضیح مفصل داده شده. ایشان از فرهیختگان دوران افلاس انگلستان‌اند که جهت حفظ جبهه طالبان در منطقه یا همان سنگر «قاف، قاف» می‌بایست همچون تونی بلر، یک شبه ره صدساله می‌رفتند که خوب هم رفتند. منتهی رتبه میلی‌بند از بلر پائین‌تر است چرا که بلر مسیحی و انگلیسی است، حال آنکه خانواده میلی‌بند در رده مهاجران یهودی اروپای شرقی قرار گرفته. در نتیجه، اینان برای حفظ منافع تفنگ‌فروشان از تونی بلر هم پای را فراتر خواهند گذارد. پیش از ادامه مطلب لازم است یک پرانتز باز کنیم و برای آندسته از هم‌میهنان گرامی که با «توحش کلیسا» در اروپای غربی آشنائی ندارند نکاتی را به صورت شتابزده توضیح دهیم.

یهودیان به طور کلی در اروپا منفوراند. ریشه نفرت همچنانکه گفتیم در تبلیغات کلیساست که «یهودی» را مسئول مرگ عیسی می‌داند، حال آنکه پدرومادر عیسی یعنی یوسف نجار و مریم از اقوام سامی‌اند! البته در اینجا «پدرآسمانی» آنحضرت را از این بحث کنار می‌گذاریم. باری در انگلستان اوضاع یهودیان وخیم‌تر است. پیشتر هم گفتیم که در قرن ۱۲



میلادی، یهودیان را از این کشور متمدن اخراج کردند تا جزیره کذا «مسیحی» و «پاک» باقی بماند. به هر تقدیر در باور عام، یهودیان اروپای شرقی از یهودیان اروپای غربی «پست‌تر» نیز شمرده می‌شوند، حتی اگر به یک محفل واحد وابسته باشند. به عنوان نمونه رده «رابین کوک»، وزیر اسبق امور خارجه بریتانیا، به مراتب از رده میلی‌بند بالاتر است و ... و خلاصه کنیم که خانواده میلی‌بند در پائین‌ترین رده یهودیان اروپائی در انگلستان قرار گرفته، در نتیجه نفرت بیشتری شامل حالش خواهد شد. البته فکر نکنید اینان به دلیل یهودیت‌شان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، نه چنین نیست. ولی تحقیر و نفرت جامعه را حس می‌کنند و همین برای تخریب و تزلزل‌شان کفایت خواهد کرد.

در نتیجه به دلیل تزلزل اکثر اینان برای حفظ خود از گزند جامعه تلاش می‌کنند به «قدرت» نزدیک شوند. با توجه به اینکه ریشه‌های قدرت را در «قدرت پنهان» یعنی در باندهای تبه‌کار و فروشندگان جنگ می‌باید جستجو کرد، آسیب‌پذیرترین و متزلزل‌ترین افراد جذب همین محافل جنگ‌طلب و خشونت‌پرور می‌شوند و برای حفظ این «جایگاه امن» به هر کاری تن خواهند داد. پس سخنان موهن و بیشرمانه میلی‌بند در مورد ایران و افغانستان را با در نظر گرفتن جایگاه یهودیان مهاجر اروپای شرقی در کشور انگلستان می‌باید بررسی و تحلیل کرد، چرا که توحش و خشونت و حماقتی که در این اظهارات موج می‌زند فقط می‌تواند بازتاب همان توحشی و تحقیری باشد که از باورهای جامعه انگلیکن بریتانیا به ذهن و ضمیر امثال میلی‌بند منتقل شده.

خواستم تا زحلی گویم و منحوس ترا بازگویم نه، که صدبار از او نحس‌تری ملخ از تخم تو چیزی نتواند که خورد که تو از گرسنگی تخم ملخ را بخوری

میلی‌بند در مورد افغانستان، چند آیه الهی نازل کرده، می‌گوید این کشور خاستگاه تروریسم است! وی ادامه می‌دهد که جهان متمدن، یعنی غرب که در واقع افغانستان را عمداً به پایگاه تروریسم تبدیل کرده، باید این پایگاه را از دست پروردگان خود پس بگیرد! به عبارت دیگر، سیاست طالبان پروری آنگلساکسون‌ها که پیش از استقرار حکومت اسلامی جمکران در این کشور اعمال می‌شد، هیچ نقشی در شرایط اسفبار امروز افغانستان ندارد! افغانستان چنین «است» همچنانکه محمد پیامبر خداست و آن‌ها که افغانستان را به بهانه وقایع ۱۱ سپتامبر اشغال کرده‌اند همگی در سنگر «تمدن» لنگر انداخته‌اند. و از آنجا که میلی‌بند هم از اشغال نظامی افغانستان حمایت می‌کند، بنابراین خوانندگان این مصاحبه «متمدن» می‌باید ایشان را هم متمدن به شمار آورند، هر چند که اظهارات‌شان در عمل خلاف این امر را ثابت کند:

**«افغانستان خاستگاه ایده‌ال تروریسم بین‌المللی است. جهادی‌های جهانی می‌توانند در هر جایی باشند ولی خاستگاه و ماوای ایده‌آل آن‌ها مرز افغانستان و پاکستان است. لازم است که بدانیم [پس] گرفتن این خاستگاه ایده‌آل از تروریسم بین‌المللی برای دنیای متمدن ضروری است.»**

بله این جوانک یاوه‌گو که از ناکجاآباد سیاست استخراج شده، و خود را متمدن می‌انگارد، نمی‌داند پیش از



دخالت غرب در افغانستان چه شرایطی بر این کشور حاکم بوده. به همین دلیل است که به شیوه خمینی دجال سخن می گوید. کافی است در سخنان وزیر امور خارجه بریتانیای کبیر «اسلام» را بجای واژه «تمدن» بگذاریم، تا دو جبهه جادویی حق و باطل ایجاد شود و از آنجا که میلی بند در سنگر حق نشسته، افغانستان به خودی خود تبدیل می شود به خاستگاه باطل! و نبرد حق علیه باطل نیز روشن است که نبرد خدا علیه شیطان خواهد بود! پس لازم می آید میلی بند همچنان در افغانستان به جنگ «برحق» خود ادامه دهد. باری متن مصاحبه میلی بند در سایت بی بی سی، مورخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۹ در دسترس مشتاقان قرار دارد و ما به فزاهائی از سخنان خشونت گستر جوان ترین وزیر امور خارجه تاریخ انگلستان اکتفا خواهیم کرد. فقط یادآور شویم تمام پرحرفی های میلی بند که سراسر توهین به ایرانیان و ملت افغانستان است یک هدف اصلی را دنبال می کند، و آن این است که حکومت مفلوک جمکران در کنفرانس ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰ باید از مواضع توحش گستر و طالبان پرور انگلستان حمایت کند تا منافع «دنیای متمدن» حفظ شود.

میلی بند در مورد برنامه هسته ای ایران هم اظهار نظر کرده، ولی از آنجا که تصمیم در این مورد نه با انگلستان که با پنتاگون است، نظرات وی را نادیده می گیریم. میلی بند می گوید ما علاقمندیم که روابط خود را با ایران گسترش دهیم، و خیلی دل مان می خواهد منافع این روابط نصیب «مردم ایران» شود! وی همچنین تأکید کرده که مسائل داخلی ایران به «مردم» مربوط است ولی مناظره های ابلهانه پیش از انتخابات جمکران را سازنده دانسته، هر چند از شمارش آراء و «نقض حقوق بشر» پس از انتخابات

ابراز نگرانی می کند. و دقیقاً همینجاست که مذاکرات هسته ای به حقوق بشر گره می خورد! به این ترتیب که عنایت فانی صحبت میلی بند را قطع کرده به وی می گوید مخالفان دولت معتقدند، الویت شما در رابطه با ایران فقط مسئله هسته ای است و اصلاً به حقوق بشر اهمیتی نمی دهید، و دیوید میلی بند می گوید، «تات اتال!» یعنی به هیچ عنوان، مگر بیانیه های «ما» را نخوانده اند؟ من هفته گذشته با «خانم» عبادی ملاقات کردم، همین امسال دولت بریتانیا ۵۰ یا ۶۰ بار از برخورد ایران با مسئله حقوق بشر انتقاد کرده، ایران اصول اساسی حقوق بشر را رعایت نمی کند ما این مسائل را فراموش نمی کنیم و ... و پوچیاتی از این دست!

پیش از ادامه مطلب یادآور شویم، پس از افتضاحات جمکران گروه ۸ با صدور بیانیه رسمی از حکومت اسلامی درخواست کرده بود به سرکوب ها پایان دهد. ولی وقتی دست حمایت آنگلو ساکسون ها بر سر حکومت جمکران کشیده می شود، این بیانیه ها فقط به گسترش سرکوب منجر خواهد شد، چرا که حکومت اسلامی با مراجعه به قطب نمای بصیرت بلافاصله رعایت حقوق بشر را «خواست دشمن» شمرده و سرکوب را افزایش می دهد. به ویژه که آخرین ابزار و شیوه های سرکوب از دست های مقدس ارباب در لندن و واشنگتن به جمکران ارسال می شود؛ البته در برابر دلارهای حاصل از چپاول نفت که در بانک های غرب «محفوظ» است.



اگر محکم ببندی بند شلوار  
هنوزت عقد صحبت نیست محکم

باری میلی‌بند پس از معرفی آخوند شیرین عبادی به عنوان سرپرست دکان حقوق‌بشر در جمکران، ضمن تأکید بر استقلال «بی‌بی‌سی» از دولت بریتانیا، و ابراز رضایت از این «فضای باز»، کاسه‌گدائی را درآورده خواهان مبادلات فرهنگی می‌شود:

«مسأله هسته‌ای مهم است، حقوق بشر مهم است [...] اضافه بر اینها مسأله [...] مبادله دانشجو، که باید میان ایران و بریتانیا وجود داشته باشد. تعداد زیادی دانشجوی ایرانی در این کشور هستند که بسیار هم خوب است [...] بی‌بی‌سی فارسی [...] مستقل است [...] بی‌بی‌سی از طرف دولت بریتانیا نیست. این شبکه اخبار مستقل در اختیار مردم می‌گذارد. بنابراین همه این‌ها خوب است. ما از این باز بودن فضا استقبال می‌کنیم و امیدواریم بیشتر شود.»

بله فضای «بی‌بی‌سی» بخصوص خیلی «باز» است، البته برای گسترش تقدس، آخوند پروری و دین‌فروشی. آنقدر فضای این رسانه باز شده و آنقدر از دولت بریتانیا مستقل شده که پرسش‌های مربوط به سیاست‌های این دولت را نیز سانسور می‌کند، چرا که قادر نیست به آن‌ها پاسخ دهد. این رسانه، همچون رادیوفردها و دیگر بوق‌های ناتو حتی یک مورد طنز در مورد خود منتشر نمی‌کند! حتماً خود را «مقدس» هم می‌انگارد. ولی میلی‌بند مصاحبه نکرده تا واقعیت را بگوید، این «وزیرک» را آورده‌اند تا مزخرفات «فاشیست - مسلمان‌های» گروه ملامد خاتمی را برای‌مان تکرار کند. از اینرو میلی‌بند، ضمن تأکید بر نیت خیر بریتانیا از «خواست مردم ایران» نیز آگاه شده می‌گوید، این «ملت تحصیلکرده» ضمن «حفظ اعتقادات» خود می‌خواهد با جهان ارتباط داشته

باشد. بله، می‌بینیم که خیمه زدن توله‌های اصلاح‌طلبان و بورسیه‌های خبرچین ساواک در منچستر و لندن چه معجزاتی کرده! میلی‌بند که حرف می‌زند اگر چشم‌ها را ببندیم احساس می‌کنیم شیخ صادق صبا، حاجیه عبادی و شیخ مسعود بهنود گروه هم‌سرایان تشکیل داده‌اند:

«من می‌دانم که مردم ایران چه می‌خواهند. آن‌ها یک ملت تحصیلکرده هستند که می‌خواهند با جهان خارج ارتباط داشته باشند، در حالیکه به اعتقادات خود هم پایبند بمانند [...] اما روشن نیست که دولت ایران اصلاً اجازه چنین مبادلاتی را بدهد. از نظر ما این مبادلات بسیار مفیدند. درها باز است و تعهد به مبادلات فرهنگی، دانشجویی و شخصی بسیار قوی است. آنچه ما نداریم تعهد دولت ایران است که این مبادلات را امکانپذیر کند.»

بله اصل مطلب این است که دولت جمکران تعهد کند با ارسال دانشجو مخارج دانشگاه شکسته‌ها و پروفیسورهای پوسیده بریتانیا را با ارز حاصل از چپاول نفت تأمین خواهد کرد، باشد که این مبادلات اگر برای ما ملت جز خسارت هیچ ندارد به حال حاکمیت انگلستان سخت مفید افتد. به ویژه که پس از کودتای ناکام هیزاکسلنسی، آنچه بریتانیا می‌خواهد این است که ایران یک عضو مورد احترام جامعه بین‌المللی باشد و در این راه آماده جان‌فشانی است. فانی از میلی‌بند می‌پرسد، وقتی «شایعه» دخالت انگلستان در آشوب‌های اخیر را می‌شنوید، چه احساسی دارید؟ وزیرک هم می‌گوید، «من حس می‌کنم»، این شایعات «دروغ» است، و آنرا به شدت تکذیب می‌کند. خلاصه رخدادهای شش‌ماه اخیر با احساسات دیوید میلی‌بند پیوند یافته! و احساس ایشان این است که پس از برگزاری انتخابات، حق مسلم مردم است که در پی یک شایعه، تظاهرات غیرقانونی هم به راه بیاندازند!



البته مسلم است هیچ دولتی نمی‌گوید حامی کودتاچیان بوده. کودتاها «رخ» می‌دهد؛ بدون دخالت بیگانه! همچنانکه ۲۲ بهمن ۵۷ نیز دقیقاً همینطور شد. اما در مورد ۲۸ مرداد، میلی‌بند می‌فرماید، بلکه از سوی «دو طرف» اشتباهی پیش آمده ولی «فورگت ایت» بهتر است به سوی آینده بنگریم، تظاهرات مردم ایران به خواست ما نبوده. ولی ما باید از حقوقی که «فکر می‌کنیم» ایرانی‌ها به دنبال‌اش هستند دفاع کنیم! می‌دانیم که میلی‌بند گفته بود می‌داند ما ملت تحصیلکرده چه می‌خواهیم:

«من حس می‌کنم که این اظهارات تحریف واقعیت است. این که بریتانیا مسئول تظاهرات مربوط به انتخابات در ایران است ذره‌ای واقعیت ندارد. تصمیم مردم ایران که تظاهرات کنند یا نظرشان را بگویند، به خواهش و تشویق ما یا از طرف ما نیست، بنابراین واکنش من این است که ما باید از حقوقی که فکر می‌کنیم ایرانی‌ها به دنبال‌اش هستند قویا دفاع کنیم، حق حرف زدن از سوی خودشان، نه از طرف ما.»

ما هم معتقدیم میلی‌بند باید از سوی خود و دولت متبوع‌اش صحبت کند، نه از طرف ایرانیان. کودتای ۲۸ مرداد «اشتباه» هیچ طرفی نبوده، پیامد توطئه محمد مصدق و فدائیان اسلام و دیگر جیره‌خواران کارخانه رجاله پروری است که با حفظ اعتقادات‌شان مبادلات فرهنگی را آنطور که لندن در نظر داشت افزایش دادند. همچنین ابراز نظر «مردم» بر اساس شایعه‌پراکنی آنهم با تظاهرات خیابانی خواست حاکمیت بریتانیاست! خوب است که مسئول ستاد تبلیغاتی میرحسین جلاد هم از انگلستان صادر شده بود و خلاصه این سیاست ایجاد آشوب مسبوق به سابقه و «قدیم» است و از دوران قاجار رایج بوده.

میلی‌بند در پاسخ به عنایت فانی خیلی به گرفتن «درس از تاریخ» ابراز علاقه می‌کند، و به همین دلیل همچون رضا پهلوی که از اشتباهات گذشته هیچ نیاموخته بود، مورد خطاب و عتاب فانی قرار نمی‌گیرد. بلکه این دیوید میلی‌بند خیلی بچه‌خوبی است و در مورد «تاریخ» هم حرف‌های مهمی می‌زند، از جمله می‌گوید در تاریخ‌شان اشتباه هم وجود داشته! یا اینکه نباید در گذشته زندگی کنیم و ... و اگر زندگی

کردن در گذشته خوب نیست شاید این جوان رعنا بتواند به ما بگوید به چه دلیل به اعتقادات ملت ایران چسبیده و چرا در افغانستان سنگ مذاکره با طالبان را بر سینه می‌زند؟ اعتقادات و شیوه طالبان متعلق به زمان حال است؟ نه! ولی دهه‌هاست که همین اعتقادات به توحشی میدان داده که کارساز سیاست خیرخواهانه انگلستان شده، پس دلیلی ندارد که از آن دست بشویند:

«فکر می‌کنم مهم است که از تاریخ درس بگیریم [...] یقین دارم همه طرف‌های درگیر مرتکب اشتباهاتی شده‌اند [...] اشتباه حتماً در تاریخ ما هم وجود داشته. اما حالا باید نگاه مان به امروز و آینده باشد. از گفتگوئی صادقانه درباره کج‌روی‌های گذشته استقبال می‌کنم ولی در عین حال از تیره کردن گذشته سودی نمی‌بریم. نباید در گذشته زندگی کنیم. نگذاریم که لغزش‌های گذشته، زمان حال و آینده را تحت تاثیر قرار بدهد.»

آری همین حرف‌های دلنشین بود که باعث شد عنایت فانی حکایت آن ۱،۵ میلیارد دلار کذا را پاک فراموش کند! تا میلی‌بند به صراحت و البته در کمال وقاحت مواضع آینده‌نوکران لندن در جمکران را در نشست ۲۸ ژانویه تعیین نماید، به این بهانه‌واهی که منافع ملت ایران با منافع انگلستان هم‌سوئی دارد! حداقل میلی‌بند چنین وانمود می‌کند:

«ثبات افغانستان به سود ایران است. ایران از تولید مواد مخدر در افغانستان آسیب زیادی می‌بیند [...] ایران باید انتخاب کند که آیا می‌خواهد ثبات را تقویت کند و کنار ما بایستد یا ثبات را تضعیف کند [...] مایل‌ام که بینم دولت ایران در کنفرانس لندن چنین تصمیمی می‌گیرد.»



شیرین زبانی‌ها، «شواهد» و «مستندات» حضور نظامیان آلمان را در ایران «پاک» کند، همانطور که ایشان پیشتر قصد «پاک کردن» اسرائیل را داشتند.

گفتا شکرم بیار و بادام  
گفتم نخرم سرت به گ..زی

به گزارش فرانس پرس در فیگارو، مورخ ۲۳ دسامبر ۲۰۰۹، تعداد ۱۰ هزار نفر از بیکاران سیرالئون برای تأمین امنیت عراق به این کشور اعزام خواهند شد! ما هم از ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰ جوانان ایران را به دو دسته تقسیم کرده، یک گروه را برای تأمین امنیت و ثبات افغانستان به این کشور اعزام می‌کنیم، گروه دوم را هم برای مبادلات فرهنگی می‌فرستیم به انگلستان تا «تحصیل‌کرده» شوند و پس از بازگشت به ایران در جایگاه رفیع بیکار و یا مزدوری برای اجنبی قرار گرفته، بعداً برای تأمین امنیت به عراق صادر شوند.

بله ایشان مایل اند گورکن‌ها همچون دیگر نوکران ارتش ناتو از طالبان حمایت کنند تا یکبار دیگر لندن بتواند ملت ایران به سپر بلاى خود در برابر هند و روسیه تبدیل کند. می‌دانیم که هند و روسیه پیشتر مخالفت خود را با این سیاست - مذاکره با طالبان خوب - اعلام کرده‌اند. البته از امروز تا ۲۸ ژانویه ممکن است تحولاتی در جهان رخ دهد که گورکن‌ها نتوانند به دم‌جنبانی برای ارباب ادامه دهند، هر چند که مهرورزی پس از ابراز مراتب نوکری در کپنهاگ، از هم اکنون پرونده جنگ دوم جهانی را گشوده و حضور مستشاران نظامی آلمان نازی را در ایران تکذیب می‌کند! می‌دانیم که آلمان هیتلری با حمایت انگلستان در ایران لانه کرده بود، و خسارت این سیاست را هم ملت ایران متحمل شد.

طریقت‌خواهی از سعدی بیاموز  
ره اینست ای برادر تا جهنم

اینبار هم از قضای روزگار انگلستان قصد دارد ما را به ابزار حمایت خود از طالبان تبدیل کند و می‌بینیم که هم طاعون سبز و هم مهرورزی «مبارز» خفقان اختیار کرده‌اند، و در واقع مواضع ارباب را کاملاً تأیید می‌کنند. خلاصه همه از ارباب و نوکر در خط «تفکر» امام روشن‌ضمیر به صف شده به تخیلی یا همان «ریدن دینی» مشغول‌اند و از آنجا که سیاست‌شان عین دیانت‌شان است، ریدمان‌شان هم در واقع سیاسی می‌شود. کار بجائی رسیده که مهرورزی برای لغزخوانی‌های‌اش اسناد و مدارک هم پیش‌بینی کرده! شاید بهتر باشد بجای این

